

هنر تصویرآفرینی در اسماء قرآنی قیامت

محمدحسن رستمی*

دانشیار علوم و قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

سید مرتضی حسینی شیرگ**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰)

چکیده

قرآن کریم علاوه بر در داشتن مفاهیم هدایتی و اعتقادی، سرشار از زیبایی‌های هنری می‌باشد. در آیه آیه این کتاب مقدس می‌توان زیبایی‌های هنری را مشاهده کرد. از مهم‌ترین هنرهایی که در آیات قرآن به چشم می‌خورد، «هنر تصویرآفرینی» می‌باشد. آیات بسیاری از قرآن در بر دارنده این هنر هستند و قرآن کریم مفاهیم و مطالب مهم و عمیقی را با استفاده از این هنر برای مخاطبان بیان کرده است. از جمله مواردی که بهره جستن از این هنر در آن نمود ویژه‌ای دارد، اسماء قرآنی قیامت می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم برای بیان معارف مربوط به معاد و قیامت اسامی فراوانی را برای آن روز ذکر نموده است. از جلوه‌های زیبای هنری این تصاویر می‌توان به استفاده از هنر تصویرآفرینی در اسماء قرآنی قیامت اشاره کرد. بیان وقایع طبیعی قیامت و ذکر حالات جسمی و روحی انسان در قیامت از مهم‌ترین معارفی هستند که قرآن کریم در قالب اسماء قیامت و با بهره جستن از هنر تصویرآفرینی به بیان آن پرداخته است. استفاده از تشبیه، تمثیل، استعاره و کنایه از مهم‌ترین روش‌های قرآن برای تصویرآفرینی است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادی است که به روش تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، معاد، اسماء قیامت، تصویرآفرینی.

* E-mail: rostami@um.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: morteza.hoseini@yahoo.com

مقدمه

«تصویر» در لغت به معنای «صورت دادن» و «شکل دهی» است. «فالصورة: تخيل الهيئة أو الشكل الذي تتميز به جميع الموجودات و رتبها على اختلافها و كثرتها، و لأن لكل شيء صورة خاصة و هيئة مفردة يميز بها» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۴۷۳). این کلمه در قرآن کریم با مشتقات گوناگونی به کار رفته است. خداوند در قرآن کریم تصویرسازی در رحم را به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران / ۶). همچنین، در سوره اعراف به تصویرسازی انسان اشاره می‌کند: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾ (الاعراف / ۱۱) و در سوره غافر، خداوند خود را «بهترین تصویرگر» می‌داند: ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (الغافر / ۶۴) و در سوره حشر نیز تصویرگری از اسامی خداوند دانسته شده است: ﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (الحشر / ۲۴).

تصویر، شیوه‌ای است دقیق و لطیف در توصیف حقایق که کلمات و حروف با نظمی ویژه در کنار هم قرار می‌گیرند و جمله‌ای پدید می‌آورند که در احساس و خیال مخاطب، صورتی مجسم و زنده از معنا را القا می‌کند (ر.ک؛ رمضان البوطی، ۱۹۷۵م: ۱۷۱). همچنین، «تصویر شامل هر گونه بیان برجسته و مشخص است، اگرچه از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۶). در روانشناسی نیز لغت «تصویر» به معنای بازسازی ذهنی یا خاطره تجربه ادراکی یا احساسی است که ممکن است دیداری نباشد (ر.ک؛ ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۲۰۸). این تعاریف بیانگر آن است که تصویر در اصطلاح ادبی با آنچه امروز از این مفهوم در اذهان تداعی می‌شود (یعنی عکس، فیلم، نقاشی و مانند آن) تفاوت دارد؛ چرا که ابزار تصویرگری در بحث ما، الفاظ و عبارات هستند، نه فیلم و عکس. اما مراد از تصویر، تداعی‌هایی است که نسبت به تصویر در ذهن خواننده پدید می‌آید و با تجربه‌های قبلی او در ارتباط است. از این رو،

اهمیت تصویر در این است که حوادث و پدیده‌هایی را در اذهان خوانندگان برانگیزاند. تصویر تنها به صور خیال که تشبیه از انواع آن است، محدود نمی‌شود، بلکه در تصویر از صنایع ادبی، همچون، تشبیه، استعاره، تخیل و... نیز استفاده می‌شود.

اهمیت تصویر در این است که تصاویر، خاطره‌ها و حوادث را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد. از جمله نکات درخور توجه در یک متن ادبی، توصیف و تصویرپردازی آن است؛ بدین معنا که یک متن ادبی، به‌ویژه متن داستانی و شعر باید آن چنان فضای موضوع نوشتار را ترسیم و توصیف کند که خواننده خود را در آن فضا و محیط حس کند و هر قدر تصویرپردازی یک نوشتار روشن‌تر و شفاف‌تر باشد، مخاطب بیشتر و شدیدتر مورد تأثیر قرار خواهد گرفت.

یکی از جلوه‌های زیبا و باشکوه قرآن آن است که از تمام روش‌ها و ابزارها برای حیات بخشیدن به مفاهیم و حقایق خود بهره می‌جوید و به الفاظ جان می‌بخشد؛ گویی از کلمات ساده و بی‌آلایش و بی‌جان، تصاویری زیبا خلق می‌کند که تا ابد زنده و پابرجا هستند (ر.ک؛ خسروی، نظری و جدی هکاتی، ۱۳۹۲: ۶).

از روش‌های قرآن برای بیان معارف مربوط به معاد و قیامت، ذکر اسمایی برای روز قیامت است. در قرآن کریم، ۱۲۰ نام برای قیامت ذکر شده‌است. از ویژگی مهم این اسمی، برجستگی هنر تصویرپردازی در این اسمی است. قرآن کریم در قالب این اسمی حوادث طبیعی قیامت، حالات جسمی و روحی انسان‌ها را در آن روز به نحوی زیبا تصویرگری کرده‌است. در این نوشتار، در پی آن هستیم که به تبیین هنری تصویرپردازی قرآن در اسما قرآنی قیامت پردازیم. در ابتدا هنر تصویرپردازی در قرآن را به طور کلی بررسی می‌کنیم و در ادامه، به مهم‌ترین اسمی قیامت که در بر دارنده تصویرگری از حوادث و دگرگونی‌های طبیعت در آن روز است، اشاره می‌کنیم و در ادامه نیز تصویرگری قرآن از حالات جسمی و روحی انسان، در قالب اسما قیامت را بررسی می‌نماییم و در پایان نیز به مهم‌ترین ویژگی‌های تصویرگری قرآن می‌پردازیم.

۱. هنر تصویر آفرینی در قرآن کریم

قرآن کریم شاهکار ادبیات و هنر است و همان گونه که از منظر فصاحت و بلاغت در اوج قرار دارد، به لحاظ تصویرپردازی نیز در اوج قرار گرفته است. با مراجعه به جای جای این کتاب شریف، این نکته را به خوبی می توان دریافت. آنجا که قرآن کریم به توصیف بهشت و بهشتیان می نشیند، بهشت را چنان زیبا توصیف و ترسیم می کند که گویا صحنه های زیبا و رنگارنگ بهشت بر پرده ای از حریر در ذهن مخاطب به تصویر درمی آید. در آیاتی چند، با جملاتی کوتاه و در عین حال، رسا و زیبا، جایگاه اصحاب یمین را چنین ترسیم می کند: ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ * وَظِلِّ مَّشْهُودٍ * وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ * وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ * وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ * إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً: آن ها در سایه درختان سدر بی خار قرار دارند * و در سایه درخت طلح پربرگ [= درختی خوشرنگ و خوشبو] * و سایه کشیده و گسترده، * و در کنار آبشارها، * و میوه های فراوان * که هرگز قطع و ممنوع نمی شود، * و همسرانی بلندمرتبه * ما آن ها را آفرینش نوینی بخشیدیم﴾ (الواقعه / ۲۸-۳۵).

در این آیات، زوایای مختلف بهشت به گونه ای زیبا ترسیم شده است: درختان سرسبز و سایه گستر، درختان میوه با میوه هایی روی هم چیده شده، میوه های متنوع و همیشگی، زنان زیبا و بلندمرتبه، و چشمه های جاری و روان از جمله مواردی هستند که در این آیات توصیف و ترسیم شده اند. دیگر بار در وصف بهشتیان چنین می فرماید: ﴿وَجُودَهُ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةً * لِسَعِيهَا رَاضِيَةً * فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَأَغِيَةً * فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ * فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ * وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ * وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ * وَزُرَابِيٌّ مُبْتُوثَةٌ: چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند * و از سعی و تلاش خود خشنودند، * در بهشتی عالی جای دارند * که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند! * در آن چشمه ای جاری است. * در آن تخت های زیبای بلندی است * و قدح هایی (که در کنار این چشمه) نهاده اند * و بالش ها و پُشتی های صاف داده شده * و فرش های فاخر گسترده!﴾ (الغاشیه / ۱۶-۸).

در تمام این آیات، تصویرپردازی شگرف و هنرمندانه‌ای به کار رفته است که صحنه‌های زیبا و گوناگون بهشت را در ذهن مخاطب به نمایش درمی‌آورد و مخاطب را مشتاق و شیفته دیدار بهشت و مناظر زیبا و دلپذیر آن می‌کند.

تصویر، ابزار خاص و مناسب در اسلوب بیان قرآنی است. قرآن معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال‌انگیز می‌نماید و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر مورد نظر را چون نمونه‌های انسانی و طبایع بشری از طریق تصویر تفهیم می‌کند. تصویرگری قرآن، هرچند از راه واژگان اتفاق می‌افتد، ولی چنان زیبا و روشن در قالب واژگانی، مفاهیم بلند و فرامادی را به تصویر می‌کشد که گویی شخص خود را در آن محیط احساس می‌کند و با ذهن خویش آن را می‌بیند. بهره‌گیری از این روش از آن روست که انسان به طور طبیعی می‌کوشد تا با روش‌های دیداری و تصویرگری، هرچند ذهنی به مفاهیم برسد.

در سال‌های اخیر، پدیده تصویرپردازی در قرآن مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. سید قطب از افرادی است که درباره تصویر هنری در قرآن به تفصیل سخن رانده است. سید قطب بر این باور است که تصویر ابزار خاص و مناسب در اسلوب بیان قرآنی است:

قرآن معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال‌انگیز می‌نماید و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر را چون نمونه‌های انسانی و طبایع بشری از طریق تصویر تفهیم می‌کند. صورتی را که قرآن ترسیم می‌کند، خیلی زود زنده و متحرک می‌شود و معانی ذهنی جان می‌گیرد و طبیعت بشری مجسم می‌شود و حوادث، مناظر و سرگذشت‌ها همه مشهود می‌گردند؛ به دیگر سخن، در هر جا که قرآن بخواهد، بیان غرضی یا تعبیر از معانی مجردی کند، یا حالتی نفسانی، صفتی معنوی، نمونه‌ای انسانی، حادثه، ماجرا، منظره‌ای از قیامت، حالتی از حالات نعیم و یا عذاب الیم را وصف کند، یا در مقام احتجاج و جدل مثلی زند، یا به طور مطلق جدلی را عنوان کند، در همه جا تکیه بر واقع محسوس یا مخیل می‌کند. بنابراین، تصویر هنری در قرآن، تصویری است آمیخته با رنگ،

جنبش، موسیقی و رنگ کلمات و نغمه عبارات و سجع جملات، به گونه‌ای که دیده، گوش، حس خیال، هوش و وجدان را از خود آکنده می‌سازد. این تصویر از رنگ‌های مجرد و خطوطی روحی انتزاع نشده، بلکه تصویری است گویا و زنده که ابعاد و مسافتات از راه مشاعر وجدانیات، در آن اندازه‌گیری می‌شود و معانی بدین صورت در نفوس آدمیان یا مناظری از طبیعت که خلعت حیات بر تن پوشیده‌اند، اثر می‌گذارند» (شاذلی، ۱۳۶۷: ۴۵).

سید قطب و جوه تناسب در قرآن را در کتاب *التصویر الفنی فی القرآن* به صورت گسترده‌تری بررسی می‌کند و تصویر را بهترین ابزار شیوه بیانی قرآن کریم می‌داند، آن هم به دلیل اینکه قرآن به کمک تصویرسازی محسوس و خیال‌انگیز مفاهیم ذهنی، حالات روحی، حوادث محسوس، صحنه‌های مورد نظر، الگوهای انسانی و طبایع بشری را می‌نمایاند. همچنین، او می‌افزاید که تصویرپردازی از طریق رنگ، حرکت، صور خیال و آهنگ کلام شکل می‌گیرد و در بسیاری از موارد، توصیف، گفتگو، موسیقی کلمات، آهنگ عبارات این تصویرسازی را کامل می‌کند (ر.ک؛ شاذلی، ۱۳۵۹: ۴۵).

البته در این کتاب، سید قطب تصویرپردازی هنری را فقط در آیات پراکنده بررسی کرده‌است، بدون این که تمام عناصر مذکور را در آن پیاده کند. وی حتی در کتاب *مشاهد القیامة فی القرآن* که تصویرپردازی هنری صحنه‌های قیامت را در برخی سوره‌ها بررسی کرده، به طور عمیق و کامل به تمام جنبه‌های آن نپرداخته‌است.

محمد قطب عبدالعال، یکی دیگر از پژوهشگران حوزه زیبایی‌شناسی قرآن درباره تصویرپردازی هنری می‌گوید:

«زیبایی تصویرپردازی هنری از به هم پیوستن ملکات ذهنی و حسی، و ارتباط ایجاد کردن میان چیزهای هم‌جنس یا متناقض حاصل می‌شود، به نحوی که وجدان اخلاقی و مفاهیم فکری را برانگیزد و بدین ترتیب است که تصویر بیانی می‌تواند حقایق اشیاء را با تمام زیبایی‌های محتوایی و لفظی منعکس کند» (عبدالعال، ۲۰۰۶: ۵۵).

اسماء قیامت در قرآن از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های هنری تصویرپردازی هستند. در قرآن کریم، خداوند در قالب اسماء قیامت، معارف مهمی از معاد و قیامت را بیان کرده‌است. در برخی از این اسامی، خداوند از هنر تصویرپردازی برای بیان وقایع طبیعی و حالات جسمی و روحی انسان استفاده کرده‌است. در ادامه، به مهم‌ترین موارد تصویرپردازی و مهم‌ترین اسامی قیامت می‌پردازیم که در آن از هنر تصویرپردازی استفاده شده‌است.

۳. تصویرپردازی وقایع طبیعی قیامت

قرآن کریم در قالب اسماء قیامت به مهم‌ترین وقایع طبیعی آن روز اشاره کرده‌است. در برخی از این اسامی قرآن از هنر تصویرپردازی برای روشن کردن مطلب استفاده کرده‌است. در ادامه به مهم‌ترین این اسامی اشاره می‌کنیم.

۳-۱. شکافته شدن زمین

از جمله وقایع قیامت که خداوند متعال در قالب اسماء قیامت آن را تصویرپردازی کرده، شکافته شدن زمین است. خداوند در سوره مبارکه «ق» می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكُمْ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ روزی که زمین به سرعت از روی آن‌ها شکافته می‌شود و (از قبرها) خارج می‌گردند و این جمع کردن برای ما آسان است ﴿(ق / ۴۴)﴾.

* «تشقق»: در اصل «تشقق» و از باب تفاعل، به معنی شکافتن است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۳۶۱). تکرار حرف قاف (سه بار)، تصویری از عظمت این شکافتن و نشان‌دهنده وحشتناک بودن این شکافتن است که مطمئناً بر کافران سخت خواهد بود.

* «عنهم» نشان‌دهنده آن است که زمین از بالای آن‌ها شکافته می‌شود (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۳۲۱).

* «سراعا»: از سرعت و سریع گرفته شده‌است. این کلمه، تصویری از کیفیت این شکافته شدن را نشان می‌دهد که این شکافتگی در نهایت سرعت خواهد بود و این

شکافتن سریع، خواه ناخواه ترس را در وجود انسان برمی‌انگیزد. پس کلمه «سراعاً» خود نشانگر تصویری از ترس انسان در آن روز است.

تصویری که از این اسم قرآنی قیامت به ذهن متبادر می‌شود، این است که در آن روز، زمین شکافته می‌شود و این یک شکافته شدن معمولی نیست، بلکه این شکافته شدن باعث می‌شود که مردگان از قبرها خارج شوند. مردگان نیز به سرعت از قبرها خارج می‌شوند.

احساس و حس از عناصر تصویر آفرینی قرآن کریم است. این اسم قرآنی قیامت، حس ترس و وحشت را در وجود انسان برمی‌انگیزد. گویا این شکافتن آسمان از زیر پای انسان خواهد بود و این شکافتن از آنجا که با سرعت خواهد بود، ترس بیشتری را در وجود انسان برمی‌انگیزد.

۲-۳. شکافته شدن آسمان

﴿وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا﴾ و روزی را که آسمان با ابرها شکافته می‌شود و فرشتگان نازل می‌گردند ﴿(الفرقان/۲۵).

شکافته شدن آسمان از دیگر وقایع طبیعی قیامت است که خداوند متعال به وسیله یکی از نام‌های قیامت به عنوان «يَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ» به آن پرداخته است. البته قرآن در آیات دیگر با ریشه فعل‌های دیگر از شکافته شدن آسمان سخن گفته است؛ شکافته شدن آسمان با ریشه «شقق» (ر.ک؛ الرحمن/۳۷ و الإنشقاق/۱)، شکافتن از ریشه «فطر» (ر.ک؛ المزمّل/۱۸ و الإنفطار/۱)، شکافتن آسمان از ریشه «فرج» (ر.ک؛ المرسلات/۹).

تصویری که قرآن کریم در این اسم قرآنی از آسمان می‌آفریند، این است که آسمان در آن روز همراه با ابرها و یا در حالی که ابری است، شکافته می‌شود. همان طور که در بالا گفته شد، «تَشَقُّ» از باب تَفَعَّلَ به معنی شکافته شدن است و نکته جالب اینکه قرآن کریم برای بیان شکافته شدن زمین و آسمان از یک کلمه استفاده کرده است که نشان‌دهنده شباهت‌هایی است که بین شکافته شدن آسمان و زمین وجود دارد.

۳-۳. حرکت کردن آسمان

از دیگر اسامی قرآنی قیامت که در آن قرآن هنر تصویرآفرینی را به کار برده است، اسم قرآنی «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا» می باشد. جریان سریع (باد) را «مور» گویند؛ مانند: «مَارَ الدَّمُ عَلَيَّ وَجْهَهُ» خون به سرعت بر چهره اش جاری شد (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۳۰۳ و مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۲۰۵). همچنین، حرکت رفت و برگشت به طرفین با آسانی و نرمی را برخلاف موج، «مور» گویند. رفت و آمد و اضطراب و خروج آسمان از حرکت منظم و مستقیم خود را «تمور السماء» گفته اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۴۶) همچنین، گفته اند که «مور» عبارت از رفت و آمد اشیاء است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۲۹۴).

خداوند متعال در دو آیه از لرزش و حرکت تعبیر به «مور» کرده است. یکی از این آیات، مربوط به زمین، و دیگری مربوط به قیامت است. خداوند متعال برای تهدید و ترساندن کافران می فرماید: ﴿أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ: آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟!﴾ (الملک/۱۶). منظور از عذاب در این آیه، عذاب دنیایی است. در آیه دیگر، خداوند متعال از حرکت آسمان سخن به میان آورده که مربوط به حوادث قیامت است و در آن، نظام هستی از جمله آسمان به هم می ریزد: ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ * مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ * يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا * وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا: که عذاب پروردگارت واقع می شود و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی آید و کوه ها از جا کنده و متحرک می شوند﴾ (الطور/۷-۱۰).

درباره مفهوم این آیه، اختلاف نظر هست. برخی گفته اند آسمان از جا کنده می شود و مانند امواج دریا موج می زند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۹: ۴۰۴). «مجاهد» گفته است: «يَمُورُ مَوْرًا، یعنی يَدُورُ دَوْرًا» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸: ۱۲)، از ابن عباس نیز نقل است: «یعنی آسمان می چرخد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۴۱۸). برخی نیز بر هم

خوردن نظم بین کُرات و خارج شدن از مسیر خود و رفت و آمد به هر سو را معنی «تمور السماء» گرفته‌اند (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ۱۶۲). برخی نیز به تفسیر علمی دست زده‌اند و گفته‌اند یعنی جاذبه از بین می‌رود و توازن و نظم بین ستارگان و آسمان به هم می‌خورد و آشوب می‌شود و همه چیز نابود می‌شود (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۵۸).

مفهوم این آیه نیز بی‌ارتباط با آیات دیگری نیست که حوادث آسمان در قیامت را بیان کرده‌اند؛ زیرا این آیات، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که در کنار هم معنی و مفهوم آن‌ها کامل می‌شود.

تفاسیر علمی که در این زمینه بیان شده‌است، مانند بر هم خوردن نظم کُرات، از بین رفتن جاذبه زمین و برپا شدن آشوب در آسمان و زمین، با آیات قرآن همخوانی ندارد و برداشت «از بین رفتن جاذبه زمین از این آیه»، برداشتی نادرست است و فقط می‌تواند توجیهی برای تفسیر این آیه باشد.

تصویری که قرآن در این اسم قرآنی قصد آفرینش آن را دارد، این است که آسمان در آن روز به شدت به حرکت درمی‌آید. از ویژگی‌های تصویر آفرینی قرآنی که در این اسم استفاده شده، استفاده از تأکید است. آوردن مفعول مطلق «موراً» بعد از «تموراً» بیانگر تأکید تصویری است که با آوردن مفعول مطلق در این اسم به ذهن متبادر می‌شود. این است که در آن روز حرکت آسمان بسیار سریع و با شدت خواهد بود. استفاده از ریشه «مور» برای بیان حرکت آسمان در آن روز خود تداعی‌گر تصویر خاصی است. گویا آسمان در آن روز مانند مورچگان که دائم در حال حرکت هستند، پیوسته در حال حرکت خواهد بود و از این حرکت باز نخواهد ایستاد.

۳-۴. روش قرآن در تصویرپردازی وقایع طبیعی قیامت

قرآن کریم برای تصویرپردازی وقایع طبیعی قیامت از روش‌های متفاوتی بهره‌جسته‌است که در ادامه به دو روش مهم، یعنی بهره‌گیری از تشبیه و بهره‌گیری از کنایه اشاره می‌کنیم.

۳-۴-۱. بهره‌گیری از تشبیه

در میان فنون بلاغت هیچ یک از فنون برای مجسم کردن و تصویرگری به پایه تشبیه نمی‌رسد. آنچه تشبیه را از هم‌نوعان آن برتری بخشیده، این است که تشبیه با ایجاد مشابهت میان معانی معقول با امری محسوس به خوبی معنا را در قالبی مجسم، آن هم در جامه‌ای زیبا در پیش روی مخاطب می‌گذارد و از این طریق، بیشترین میزان تأثیر را در نهاد آدمی به جای می‌گذارد (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۶۸: ۵۳). در قرآن کریم، برخی از وقایع طبیعی قیامت از طریق تشبیه تصویرآفرینی شده‌اند، پیچیده شدن آسمان، مانند روغن شدن آسمان از جمله این وقایع می‌باشند.

۳-۴-۱-۱. پیچیده شدن آسمان

از وقایع مهم قیامت، پیچیده شدن آسمان در آن روز است که خداوند در قالب یک اسم قرآنی قیامت این واقعه طبیعی را تصویرسازی کرده‌است. خداوند در سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِكُتُبٍ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدُّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ در آن روز که آسمان را چون طوماری درهم می‌پیچیم، همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم. این وعده‌ای است بر ما و قطعاً آن را انجام خواهیم داد ﴿(الأنبياء/۱۰۴)﴾.

* «نَطْوِي»: از ریشه «طَوَى» به معنای جمع کردن، در مقابل نشر دادن (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۵۰) و از گذشت عمر به «طی» تعبیر کرده‌اند: «طَوَى اللهُ عَمْرَهُ»، یعنی خداوند بساط عمرش را برچید (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۳). این کلمه

تصویرگر پیچیده شدن آسمان در آن روز است. قرآن کریم در اینجا می‌توانست از کلمات دیگر، مانند «جمع» نیز استفاده کند، ولی استفاده از «طوی» نشانگر تصویر خاصی از برجیده شدن آسمان در آن روز است.

* «سجل»: برخی گفته‌اند «سجل» سنگی است که در قدیم بر آن می‌نوشتند و اکنون به هر چیزی که بشود روی آن نوشت «سجل» گفته می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۹). همچنین، گفته شده «سجل» کتابی است یا چیزی شبیه به کتاب که در آن احوال شخصی افراد یا حوادث، وقایع و امثال این را می‌نویسند و بعضی از کارهای ضروری را که به آن نیاز دارند، در آن ضبط می‌کند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۵۹). تصویری که از این اسم قرآنی قیامت به ذهن متبادر می‌شود، این است که در آن روز، آسمان مانند یک نامه که انسان آن را در یک لحظه به هم می‌پیچد، درهم پیچیده می‌شود. این تشبیه و تصویرپردازی قرآن دارای نکات ظریف و دقیقی است. آسمان در آن روز پیچیده می‌شود و منظور از پیچیده شدن، نابودی آن نیست و همان طور که وقتی نامه را می‌پیچیم، نوشته‌ها و مطالب داخل آن نابود نمی‌شود، در قیامت نیز زمانی که آسمان پیچیده شود، آسمان، ستارگان و دیگر موجوداتی که در آسمان هستند، نابود نمی‌شوند. در همین زمینه از سلمان نقل است:

«جائلیق به همراه صد مرد از مردان نصاری خدمت امام علی^(ع) رسیدند و پرسیدند که اگر خداوند آسمان را درهم پیچد و زمین را متقبض کند، پس بهشت و جهنم کجا برپا خواهد شد؟ حضرت^(ع) دوات و کاغذ خواستند و آیاتی از بهشت و جهنم در آن نوشتند و به او دادند و گفتند: آیا این نامه را پیچیدم؟ جائلیق گفت: بله. حضرت^(ع) فرمود: پس باز کن. حضرت^(ع) فرمود: آیا آیات بهشت و جهنم را می‌بینی؟ آیا پیچیده شدن آن‌ها را محو کرد؟ جائلیق گفت: نه. حضرت^(ع) در ادامه فرمود: این از قدرت خداست که زمانی که آسمان را درهم می‌پیچد و زمین را در قبضه می‌گیرد، بهشت و جهنم باطل نمی‌شود، هم‌چنان که این نامه آیات بهشت و جهنم را باطل و نابود نکرد» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴: ۷۲۸).

پس پیچیده شدن آسمان به معنی نابودی آن نیست، بلکه تغییر حالت از شکلی به شکل دیگر است. تشبیه آسمان به طومار از آن روست که آسمان نیز مانند طومار، محتویاتی مانند ستارگان و اجرام آسمانی دارد و قرآن برجیده شدن آسمان را به پیچیده شدن طومار تشبیه کرده است تا این نکته را بیان کند که هم‌چنان که پیچیدن طومار برای انسان‌ها زحمت خاصی ندارد، برجیدن آسمان نیز برای خدا در آن روز کار ساده‌ای خواهد بود. از سوی دیگر، این تشبیه نکته ظریف دیگری نیز دارد و آن اینکه همان‌طور که با پیچیدن طومار مطالب و نوشته‌های آن از بین نمی‌روند، با برجیده شدن آسمان نیز محتویات، موجودات و چیزهایی دیگری که در آن هستند، از بین نمی‌روند.

از روش‌های قرآن برای تصویرآفرینی، خلق تصاویری است که مردم نیز با آن آشنایی دارند. مردم زمان نزول قرآن نیز با این تصاویر آشنا هستند. کلمات «سجل» و «نطوی» برای خوانندگان آشناست؛ زیرا در زندگی روزمره خود به دفعات شاهد پیچیده شدن نامه‌ها بوده‌اند و خداوند متعال نیز با آوردن این تمثیل آشنا، حوادث قیامت را برای خوانندگان ترسیم می‌کند و این از ویژگی‌های تصویرپردازی قرآن است که از تصاویر قابل فهم و ملموس برای بیان مفاهیم بهره می‌جوید.

تصویرپردازی در قرآن کریم، مؤلفه‌ها و عناصر خاص خود را دارد که خیال و واقعیت از مهم‌ترین عناصر این تصویرپردازی هستند. در تصویر فوق نیز این دو عنصر به وضوح دیده می‌شود. واقعیت برجیده شدن آسمان با خیال برجیده شدن مانند سجل درهم آمیخته شده، تصویری زیبا از برجیده شدن آسمان در قیامت ترسیم کرده است.

۳-۴-۱-۲. مانند روغن شدن آسمان

در سوره مبارکه «معارج»، از گداخته شدن آسمان صحبت به میان آمده است: ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ: همان روز که آسمان همچون فلز (روغن) گداخته می‌شود﴾ (المعارج / ۸). قرآن برای بیان این واقعه، یکی از نام‌های قیامت را ذکر کرده است و در ضمن این نام به تصویرآفرینی آن روز نیز پرداخته است.

* «مُهَل»؛ درباره معنی «مُهَل» اختلاف نظر هست. گروهی آن را به معنی روغن گرفته‌اند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۱ و قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۳۰۱)، یا آهن و مس مذاب (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۱۹۲). گروهی نیز «مهل» در این آیه را چیزی مختلط و ناپاک از نظر جنس، رنگ و طعم گرفته‌اند و گفته‌اند که تفسیر «مهل» به روغن و امثال آن از باب مصداق است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۳۱). درباره معنی گداخته شدن آسمان بین مفسران اختلاف هست. به گفته ابن عباس، آسمان مانند ته‌مانده روغن درمی‌آید. گروهی نیز گفته‌اند مانند مس گداخته و یا نقره آب‌شده درمی‌آید (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۳۳۶). برخی منظور از «مهل» را حرارت آسمان گرفته‌اند (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۷: ۴۱۵). گروهی نیز گفته‌اند اجرام آسمانی ذوب می‌شوند و همگی مانند مس گداخته می‌شوند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۳). البته در آیه مورد بحث، سخنی از اجرام آسمانی نیامده است و تفسیر سماء به اجرام آسمانی نیز دور از ذهن و مخالف ظاهر لفظ است.

اختلاف نظر مفسران درباره معنی این آیه نیز ناشی از دو معنای متفاوت از کلمه «مُهَل» (یعنی فلز گداخته‌شده یا روغن) می‌باشد. آسمان در روز قیامت تغییر می‌کند، حال چه به صورت فلز گداخته‌شده درآید و چه به صورت روغن. هرچند که تفسیر به فلز گداخته‌شده نزدیک‌تر می‌نماید تا روغن. گداخت آسمان نیز می‌تواند به علت تغییر و تحولاتی باشد که در خورشید روی می‌دهد.

از ویژگی‌های هنر تصویرآفرینی قرآنی، استفاده از تمثیل و تشبیه است. این ویژگی تصویرآفرینی نقش مهمی در فهم و ایجاد تصویر در ذهن مخاطب دارد. تشبیه یکی از اولین صنایع ادبی است که در هر متن ادبی می‌توان آن را یافت و یکی از رایج‌ترین و آسان‌ترین صنایع ادبی می‌باشد. قرآن کریم در این اسم قرآنی قیامت، برای تصویرآفرینی و ایجاد تصویر مناسب در ذهن مخاطب از فن تشبیه برای تصویرآفرینی استفاده کرده است. تشبیه آسمان به روغن گداخته‌شده، یک تشبیه بدیع و تازه‌ای است که قرآن برای بیان حالت آسمان در آن روز به کار می‌برد. یکی از ارکان تشبیه، وجه شبه می‌باشد. وجه تشبیه بین آسمان قیامت و روغن گداخته‌شده این است که همچنان که روغن زرد و

سرخ‌رنگ است، در آن روز نیز آسمان زردرنگ خواهد شد و از سوی دیگر، روغن گداخته شده هیچ گونه دودی ندارد و آسمان نیز در آن روز زرد و سرخ خواهد شد، بدون اینکه دودی مشاهده شود.

۳-۴-۲. بهره‌گیری از کنایه

از دیگر روش‌های قرآن برای تصویرآفرینی وقایع طبیعی قیامت، بهره جستن از کنایه می‌باشد. کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است، به گونه‌ای که معنی آن صریح نباشد (ر.ک؛ عمید، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۰۸۳). بی‌شک کنایه از مؤثرترین فنون بلاغی است؛ زیرا خواننده یا شنونده باید برای درک مفهوم پیام از تلاش بیشتری انجام دهد. در اسما قرآنی قیامت نیز از این صنعت ادبی استفاده شده است و قرآن کریم از این راه به تصویرآفرینی مفاهیم و وقایع پرداخته است.

۳-۴-۲-۱. زلزله و حشتناک قیامت

خداوند در سوره مبارکه نازعات می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ: آن روز که زلزله‌های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی‌آورد و به دنبال آن، حادثه دومین [صیحه عظیم محشر] رخ می‌دهد﴾ (النازعات / ۵-۶). در اسم قرآنی «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ» نیز مفاهیم کنایه‌ای دقیقی نهفته است. خداوند با ذکر کلمه «راجفة» در حقیقت، به وقایعی اشاره می‌کند که در روز قیامت رخ می‌دهد. «راجفة» از ریشه «رجف» به معنی تکان و لرزش شدید است و منظور خداوند متعال از کلمه لرزاننده به هنگام برپایی عرصه قیامت، نفخه اولیه است که تمام آفریدگان با آن می‌میرند. زمخشری می‌گوید: «راجفة نفخة اولیه و همان واقعه‌ایی است که زمین و کوه‌ها را به لرزه می‌افکند» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۹۳).

واژه «رادفة» نیز از ریشه «ردف» و به معنی «تابع» است و کنایه از نفخ دوم است که روز قیامت در پی نفخ اول دمیده می‌شود. خداوند متعال در این آیه به صراحت نامی از

نسخه صور نبرده، بلکه به طور ضمنی و پوشیده و نیز با قرار دادن نشانه‌هایی در آیه، برخی از ویژگی‌ها و آثاری را بازگو می‌کند که در پی این نفخ به وقوع می‌پیوندد. توجه به معنی لغوی کلمه «راجفه» که به معنی «لرزاننده» است، در وهله اول، معنای زلزله را به ذهن مخاطب منتقل می‌سازد که در حقیقت، غرض اصلی خداوند متعال اراده چنین معنایی نیست. نسخه اولیه به گونه‌ای در پس این عبارت پنهان می‌شود که وجهه‌ای رمزآلود بدان می‌بخشد و از این رو، می‌توان آن را از نوع کنایات رمز به حساب آورد. در ادامه آیه، دریافت کنایه موجود در واژه «الرادفة» با توجه به قرینه آیه قبل، وضوح بیشتری دارد و می‌توان آن را در گروه کنایه ایماء جای داد (ر.ک؛ سجادی و فراهانی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۴. تصویر آفرینی حالت جسمی انسان در قیامت

خداوند متعال در قرآن زندگی و مرگ و خارج شدن انسان را از زمین می‌داند و می‌فرماید: «قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ فِيهَا تَمُوتُونَ وَ مِنْهَا تُخْرَجُونَ» (اعراف/۲۵): «در آن [زمین] زنده می‌شوید و در آن می‌میرید و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.» و در سوره مبارکه «طه» نیز فرموده است: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى: مَا شَأْنُكَ أَنْ يَأْمُرَ بِكَ رَبٌّ أَنْ يَسْخَرَكُمُ مِنْهُنَّ مَا لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (طه/۵۵). این خروج از قبرها بعد از دمیده شدن در صور است: ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ: رَوْحِي كَمَا هُمْ فِي الْقُبُورِ﴾ (نور/۱۰). روزی که همگان صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند، آن روز، روز خروج (از قبرها) است ﴿(ق/۴۲)﴾.

از مهم‌ترین وقایعی که خداوند در آن با تصویرپردازی قصد نشان دادن وضعیت انسان را دارد، واقعه خروج انسان‌ها از قبرهاست. آیات بسیاری در این زمینه نازل شده‌است که در ادامه، دو تصویر از تصویرسازی‌های قرآن از خروج انسان‌ها را بیان می‌کنیم.

۴-۱. خروج سریع از قبرها

قرآن کریم خروج انسان از قبرها را با صفت «سریع» توصیف می‌کند. خداوند در سوره معارج می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَّاءَ مِثْلَ الْبَرْقِ﴾ (المعارج/۴۳). همان روز که از قبرها به سرعت خارج می‌شوند؛ گویی به سوی بُت‌ها می‌دوند ﴿(المعارج/۴۳)﴾.

«سِرَّاءاً» از ریشه «سرع» به معنی سرعت است. به نظر، «نُصَّب» در اینجا، یعنی علامت، و انسان‌ها بعد از خروج با سرعت به سوی علامتی حرکت می‌کنند تا شاید بتوانند از سرگردانی نجات یابند. تصویری که می‌توان از این اسم قرآنی قیامت برداشت کرد، خروج انسان‌ها از قبرها با سرعت به سوی علامتی خاص است. مردم در آن روز به علت ترس از زنده شدن و خروج از قبرها، با سرعت از سویی به سوی دیگر می‌روند که این سرگردانی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد.

۴-۲. سپیدی و سیاهی صورت‌ها در قیامت

از وقایعی که قرآن کریم به تصویرپردازی آن می‌پردازد واقعه سپیدی و سیاهی صورت‌ها در قیامت است. قرآن کریم در سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد، اما آن‌ها که صورت‌هایشان سیاه شده، (به آن‌ها گفته می‌شود): آیا بعد از ایمان (و اخوت و برادری در سایه آن)، کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید! ﴿(آل عمران/۱۰۶)﴾.

از وقایع مهم قیامت، سیاهی و سپیدی صورت‌های کافران و مؤمنان است. این سیاهی و سپیدی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که نشان‌دهنده نتایج و تأثیر اعمال انسان‌ها در آن روز است. مهم‌ترین عامل روسیاهی انسان در آن روز، گناه است و ایمان و عمل صالح نیز مهم‌ترین عامل در روسپیدی انسان‌ها در آن روز می‌باشد.

۳-۴. روش قرآن در تصویرآفرینی حالت جسمی انسان در قیامت

۱-۳-۴. بهره‌گیری از تشبیه

خداوند در سوره قمر، خروج انسان‌ها از قبرها را به دسته‌ای از ملخ‌های پراکنده تشبیه کرده است: ﴿خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ: آنان در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخ‌های پراکنده از قبرها خارج می‌شوند﴾ (القمر/۷).

در این آیه، خداوند انسان‌ها را هنگام خروج از قبرها به ملخ تشبیه کرده است. علت تشبیه انسان به ملخ‌های پراکنده، آن است که ملخ‌ها وقتی پراکنده می‌شوند، هر دسته داخل در دسته دیگر شده، با هم مخلوط می‌شوند. در قیامت نیز مردم اینگونه درهم و برهم می‌شوند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۴: ۳۳۹).

با نگاهی به دسته‌های عظیم ملخ‌ها می‌توان به وضعیت انسان در آن دنیا به هنگام خروج از قبرها پی برد. ملخ‌ها زمان حرکت دسته‌جمعی، بدون توجه و با سرعت از یک سو به سوی دیگر پرواز می‌کنند، اندکی روی زمین توقف می‌نمایند و بار دیگر بلند شده، پرواز می‌کنند. در حرکت نیز برخلاف حیوانات دیگر، مسیر مستقیم را در پیش نمی‌گیرند، بلکه مدام از سویی به سوی دیگر می‌روند. از این رو، در حرکات آن‌ها آشفتگی و سرگردانی مشهود است. انسان‌ها نیز در قیامت چنین خواهند بود و از قبرها خارج شده، بدون اینکه به اطراف و اطرافیان توجه داشته باشند. لذا با سرگردانی و حیرانی حرکت می‌کنند، مدام به چپ و راست منحرف می‌شوند و در حرکت به مانند آشفتگان هستند. از سوی دیگر، ملخ حیوانی ضعیف و ناتوان است که نشان‌دهنده این است که انسان در آن زمان در نهایت ضعف و ناتوانی است و کاری از دستش بر نمی‌آید و فقط سرگردان و حیران است.

تصویر دیگر قرآن از وضعیت انسان در آن روز، تشبیه انسان به پروانه‌های پراکنده است: ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ: روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده

خواهند بود ﴿القارعه / ۴﴾. تشبیه انسان‌ها به پروانه بدان سبب است که پروانه‌ها نیز مانند ملخ‌ها و برخلاف دیگر حیوانات، در زمان حرکت خود مسیر مستقیمی را در پیش نمی‌گیرند، بلکه مدام از سمتی به سمت دیگر می‌روند و سرگردانند. انسان‌ها نیز در آن روز به سبب ترس و فزعی که آن‌ها را فرا گرفته است، چنین خواهند بود. از سوی دیگر، همان‌گونه که پروانه‌ها زمان خارج شدن از لانه خود به سرعت پراکنده می‌شوند و به هر سو پرواز می‌کنند. انسان‌ها نیز در زمان خارج شدن از قبر، ناگهان خارج می‌شوند و صحرایی که چند لحظه قبل خالی بود، ناگهان پر از انسان‌های سرگردان می‌شود.

۵. تصویرپردازی حالات روحی انسان در قیامت

از دیگر مواردی که قرآن کریم برای بیان آن به تصویرآفرینی می‌پردازد، بیان حالات روحی انسان در قیامت است که در ادامه، به برخی از این حالات روحی اشاره می‌کنیم.

۱-۵. تصویرپردازی ترس و وحشت انسان در قیامت

از جمله وقایع قیامت که قرآن کریم برای بیان آن از هنر تصویرآفرینی بهره جسته است، نشان دادن ترس و وحشت آن روز است. قرآن کریم در تصویری از ترس و وحشت آن روز می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا لَهُمْ بِسُكَارَىٰ وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ روزی که آن را می‌بینید، (آن چنان وحشت سراپای همه را فرامی‌گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد و مردم را مست می‌بینی، در حالی که مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است ﴿الحج / ۲﴾.

«مرضعه» به زنی گویند که پستان در دهان فرزندش می‌گذارد و به او شیر می‌دهد (ر.ک؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۴۲۰). این آیه نشان‌دهنده آن است که هول و وحشت قیامت چنان سخت است که حتی مادر فرزند شیرخوارش را که عزیزترین کس اوست، در آن هنگام فراموش می‌کند و بدون توجه به فرزند شیرخوارش، او را رها می‌کند و پا

به فرار می‌گذارد. یا زن باردار نیز با توجه به علاقه فراوان به فرزند داخل رَحِمَش، بی‌اختیار او را سقط می‌کند و او را به زمین می‌اندازد. انسان‌ها در آن زمان همچون مست حرکت می‌کنند، ولی مست نیستند، بلکه ترس و وحشت قیامت آنان را مانند مست کرده‌است.

در صحنه‌ای دیگر، قرآن کریم با بهره جستن از اسما قیامت، چنین وضعیت انسان‌ها را در آن روز به تصویر می‌کشد: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَيِّهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ أُمَّرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُعْنِيهِ﴾ در آن روز که انسان از برادر خود می‌گریزد، * و از مادر و پدرش، * و زن و فرزندانش، * در آن روز هر کدام از آن‌ها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد ﴿(العَبَس/۳۴-۳۷).

۱-۱-۵. روش قرآن در تصویرپردازی حالات روحی انسان در قیامت

قرآن برای تصویرآفرینی حالات روحی انسان در قیامت از چند روش استفاده کرده‌است. بهره‌گیری از تمثیل، استعاره و کنایه از جمله این روش‌هاست که در ادامه، با ذکر نمونه به بیان این روش‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۵. بهره‌گیری از تمثیل

تمثیل یکی از اقسام تشبیه به شمار می‌رود؛ یعنی هر تمثیلی تشبیه می‌باشد، ولی هر تشبیه‌ی تمثیل نیست (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۳۰۸).

هر یک از تمثیل‌های قرآن مانند تابلویی است که ماهرانه حالات و اوضاع مورد نظر را ترسیم کرده‌است تا مخاطبان با مشاهده مناظر زشت و زیبای گسترده حیات بشری، خود درباره آن‌ها قضاوت کنند (ر.ک؛ الحسینی، ۱۴۱۳ق: ۴۵۹).

در اسما قیامت موجود در قرآن نیز می‌توان به تمثیل‌های زیبایی برخورد. تعبیر قرآن از قیامت به «قارعة»، تمثیلی از کوبندگی و سختی آن روز است. همچنین، تمثیل

گوش خراشی و هیبت روز قیامت در اسم قرآنی، با «صاخّة» نمایان شده است. افزون بر این، سختی و پوشانده شدن عذاب بر کافران در روز قیامت، با بیان اسم قرآنی «غاشیة» نشان داده شده است و «غاشیة» تمثیلی از پوشیده شدن عذاب بر کافران است.

قرآن از قیامت به «غاشیة» تعبیر کرده است و می فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ * وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَّاصِيَةٌ * تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً: آیا داستان غاشیه [روز قیامت که حوادث وحشتناک آن همه را می پوشاند] به تو رسیده است؟! * چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند! * آن ها که پیوسته عمل کرده اند و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است) * و در آتش سوزان وارد می گردند﴾ (الغاشیه / ۱-۴).

«غاشیه» از نام های قیامت است. این کلمه از ماده «غشاوة» به معنای پوشاندن است. انتخاب این نام برای قیامت بدان سبب است که حوادث وحشتناک آن روز ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می دهد و با ترس و هراسی که دارد، انسان را فرامی گیرد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۱۲: ۳۷۰). علاوه بر «غاشیه»، قرآن کریم در سوره عنکبوت نیز به اسم دیگر قیامت که نشان دهنده پوشانده شدن عذاب است، اشاره می کند و می فرماید: ﴿يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: آن روز که عذاب (الهی) آن ها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی گیرد و به آن ها می گوید: بچشید آنچه را عمل می کردید﴾ (العنکبوت / ۵۵). تصویری که از این اسم قرآنی قیامت برداشت می شود، این است که در آن روز، عذاب خداوند از هر سو آن ها را فرامی گیرد. از بالای سر، از زیر پاها و... نکته جالب در این تصویرآفرینی، این است که قرآن عذاب را به موجودی زنده و جاندار تشبیه کرده است که می تواند از هر سو حرکت کند و مجرمان را شناسایی کند و آن ها را در برگیرد. جان بخشی به اشیاء و مفاهیم از ویژگی های تصویرآفرینی قرآن کریم است.

از دیگر اسامی قیامت که نشان دهنده ترس و وحشت انسان در قیامت است، «طامة» می باشد. خداوند در سوره نازعات می فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى: هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد﴾ (النازعات / ۳۴). «طامة» از ریشه «طم» به معنی غلبه و تجاوز

است و به حادثه‌ای که حوادث دیگر را درنوردد و بر همه غالب آید، «طامّة» گویند (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۶: ۳۸۱۱). «طامّة» به این دلیل به قیامت اشاره دارد که مملو از حوادث هولناک است و همه چیز را در خود فرومی‌برد و با ترس و وحشتی که دارد، بر همه غالب می‌شود و واژگان آن با آهنگ تندی که دارند، تصویرگر هول و هراس قیامت می‌باشد. در این آیه، احساس برانگیخته از صحنه بزرگترین حادثه و بالای سخت و طاقت‌فرسای قیامت درون انسان را فرامی‌گیرد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۳: ۳۳).

تعبیر کردن از قیامت به «صاخّة» نیز بیانگر ترس و وحشت انسان در آن روز است. قرآن کریم در سوره عبس می‌فرماید: ﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّخَّاتُ: هنگامی که آن صدای مهیب [= صیحه رستاخیز] بیاید (کافران در اندوه عمیقی فرومی‌روند)﴾ (العبس/۳۳). «صاخّة» از ریشه «صحّ» و به معنی صدای کوبنده و وحشتناک است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۶۸). علت نامگذاری قیامت به «صاخّة» این است که این واژه با آهنگ تندش گوش خراش است و از شدت کوبیدن و تأثیرگذاری، گوش‌ها را می‌خراشد و وحشتناکی آن روز را ترسیم می‌کند (ر.ک؛ خسروی، نظری و جدی هکانی، ۱۳۹۲: ۱۰).

به نظر می‌رسد تصاویری که اسامی قیامت آن‌ها را به نمایش می‌گذارند، از نوع تصاویر حسی است؛ زیرا با آهنگ تند و گوش خراشی که دارد، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسان می‌داند که سفری در پیش رو دارد، باید خود را برای آن آماده و مهیا سازد و باید بار سفر بریندد. او به محض شنیدن این بانگ هول‌انگیز، متوجه این حقیقت می‌شود که آغاز سفر است و باید به سوی سفری که سال‌ها منتظر آن بوده‌است، حرکت کند (ر.ک؛ محمدقاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

یکی از روش‌های قرآن برای تصویرآفرینی، استفاده از کلمات است. این جلوه از جلوه‌های تصویرآفرینی قرآن کریم، خود از معجزات این کتاب عظیم است. گاهی یک کلمه بیانگر تصاویر و معانی فراوان است و به تعبیر سیدقطب:

«هر یک از کلمات قرآنی، گاه در ترسیم صفات و خصوصیات و خلق صحنه‌ها، همچون خطوط و نقوشی که قلم‌موی یک نقاش می‌آفریند، عمل

می‌کند، و چنان روحی در آن نمونه خلق شده می‌دمد که آن را به صورت موجودی زنده، با شخصیتی کامل مبدل می‌سازد، طوری که حتی می‌توان با انگشتان خود به آن اشاره کنی... این خود یک نوع آفرینش (شگفت) است و شباهت به آفرینش مخلوقاتی دارد که در هر لحظه به دست خالق هستی آفریده می‌شوند و پا به عالم هستی می‌گذارند» (شاذلی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱: ۲۰۴).

از میان اسامی قیامت در قرآن، اسامی «غاشیة» و «طامة» و «صاخة» تنها یک کلمه هستند، ولی تصاویر و معارفی بس عظیم در سایه همین چند کلمه ذکر شده است. تصویر وحشت و پوشیده شدن عذاب بر انسان، غلبه و برتری حادثه قیامت و نیز دلخراش بودن این حادثه از تصاویر زنده‌ای است که در قالب این اسامی ذکر شده است.

۲-۱-۱-۵. بهره‌گیری از استعاره

استعاره در اصطلاح علم بیان، به کار گرفتن لفظی است در غیر معنای اصلی خود به دلیل علاقه و مشابهت میان معنای اصلی و مجازی (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۷۹: ۳۰۸). همچنین، درباره استعاره گفته‌اند: «مجاز با تشبیه تزویج شده و از آن استعاره متولد گشته است» (سیوطی، بی تا: ۵۷). با نگاهی به استعاره‌های قرآن می‌بینیم که این استعاره‌ها در بیان مفاهیم و تصویرآفرینی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در اسما قرآنی درباره قیامت نیز استعاره‌هایی به چشم می‌خورد و قرآن از این اسامی برای تصویرآفرینی بهره‌جسته است.

خداوند در توصیف روز قیامت از تعبیر «یوم عقیم» استفاده کرده است و می‌فرماید: ﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ﴾ کافران همواره درباره قرآن در شک هستند تا آنکه روز قیامت ناگهان فرارسد، یا عذاب روز عقیم [= روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند،] به سراغشان آید ﴿(الحج/ ۵۵). این یکی از زیباترین استعاره‌هاست؛ زیرا «عقیم» به معنای زنی است که فرزند نزاید. مثل این است که خداوند متعال آن روز را چنان وصف کرده که روز یا شبی دیگر در پی آن نیست (ر.ک؛ محمدقاسمی، ۱۳۹۰: ۸۳).

در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم صفت «محیط» را به قیامت داده‌است و نسبت احاطه به آن داده‌است و می‌فرماید: ﴿...إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ﴾ (ولی) از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم ﴿ (هود/ ۸۴)؛ گویی آن روز چون دیواری احاطه‌کننده است و نصب شده تا نگذارد کسی از عذاب بگریزد و راه فرار را از هر سوی بر دوزخیان بسته است (ر.ک؛ محمدقاسمی، ۱۳۹۰: ۸۴). همچنین، قرآن برای بیان اضطراب، ترس و وحشت حاکم بر اهل محشر از استعاره مصرحه بهره‌جسته‌است و می‌فرماید: ﴿رَجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾: مردانی که تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا، برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود ﴿ (النور/ ۳۷). «تقلب» یعنی بسیار زیر و رو کردن یک چیز و «تقلَّب القلوب و الأبصار» عبارت از برگشتن دل‌ها و دیده‌ها از صورت ادراکی به صورت دیگر است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۱۲۷).

۵-۱-۱-۳. بهره‌گیری از کنایه

قرآن کریم برای بیان عظمت و وحشت روز قیامت از آن روز به عنوان «روز برهنه شدن ساق پاها» نام برده‌است و می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند، اما نمی‌توانند ﴿ (القلم/ ۴۲). عبارت «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» کنایه‌ای لطیف است. انسان معمولاً زمانی پاهایش را برهنه می‌کند و شلوارش را بالا می‌زند که امر مهمی در پیش باشد. قیامت نیز به دلیل اینکه امر مهمی است، در آن روز همگی پاهایشان را برهنه می‌کنند؛ گویا امر مهمی در پیش است! برخی نیز گفته‌اند کنایه از کشف اسرار و بواطن است؛ مثل ساق پا که در زیر جامه است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۷). پس عبارت «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» کنایه از آماده شدن برای امری مهم است. به گفته زمخشری در الکشاف، در آن روز نه ساق پای در بین است و نه شلواری که از آن بالا برود که نیاز به بالا کشیدن باشد (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۵۹۴).

در اسم دیگر از قیامت، خداوند برای بیان ترس و عظمت آن روز کنایه‌ای زیبا به کار برده است؛ چنان که در سوره مزمل می‌فرماید: ﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) برکنار می‌دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می‌کند! ﴿(المزمل / ۱۷). اسم قرآنی «يَوْمَ يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» کنایه‌ای لطیف از سختی و عظمت آن روز است. حوادث و اتفاقات روز قیامت چنان سخت است که کودکان را پیر می‌کند و شخصی که در طول سالیان و با سپری کردن روزهای سخت، گرد پیری بر او می‌نشیند، در یک روز دچار پیری می‌شود. این کنایه بیانگر این است که حوادث و سختی‌های قیامت برابر با یک عمر سختی‌های این دنیاست. مشاهده آن همه حوادث سخت، مانند زلزله و وحشتناک قیامت، بی‌نور شدن ماه، فرو ریختن ستارگان، حرکت کوه‌ها، حرکت آسمان و... خواه ناخواه انسان را پیر می‌کند.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم علاوه بر اینکه هدف هدایتی دارد و برای این منظور نیز نازل شده است، ابعاد هنری برجسته‌ای نیز دارد. از هنرهای برجسته در آیات قرآن کریم، هنر تصویرآفرینی است. خداوند متعال در آیات بسیاری از این هنر استفاده کرده است. وقایع و حوادث، داستان‌های و حالت‌های مختلفی در قالب تصویرآفرینی در قرآن کریم بیان شده است. از مهم‌ترین جلوه‌های تصویرآفرینی قرآن، تصویرآفرینی در اسماء قرآنی قیامت است. در قرآن کریم، ۱۲۰ اسم برای قیامت ذکر شده است. در برخی از این اسماء، قرآن کریم با هنر تصویرآفرینی قصد بیان مطالب را دارد. حوادث بسیاری از قیامت در قالب تصویرآفرینی برای مخاطبان مجسم شده است. تصویرآفرینی قرآن کریم روش‌های خاص خود را دارد؛ یعنی برای تصویرآفرینی در اسماء قیامت از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کند که استفاده از «تشبیه»، «تمثیل»، «استعاره» و «کنایه» از روش‌های قرآنی تصویرآفرینی در اسماء قرآنی قیامت است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. ج ۳. بیروت: دار صادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج ۱. تهران: بنیاد بعثت.
- بغدادی، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق.). *لباب التاویل فی معانی التنزیل*. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). *دلائل الإعجاز فی القرآن*. ترجمه سید محمد رادمنش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- الحسینی، سید جعفر. (۱۴۱۳ق.). *اسالیب البیان فی القرآن*. تهران: مؤسسه الطباعة والنشر. خسروی، کبری، علی نظری و سمیرا جدی هکائی. (۱۳۹۲). «تصویرپردازی انسان در عرصه قیامت». مشکوة. ش ۱۱۸. صص ۲۸۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. ج ۱. دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.
- رمضان البوطی، محمد سعید. (۱۹۷۵م.). *من روائع القرآن*. دمشق: فارابی.
- زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج ۳. بیروت: دار الکتب العربیة.
- سجادی، سید ابوالفضل و سمیرا فراهانی. (۱۳۹۱). «معناشناسی اسلوب کنایه در جزء سی‌ام قرآن کریم». *حسنا*. د ۸. ش ۲۳. صص ۷۲-۹۷.
- سیوطی، عبدالرحمن. (بی تا). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- شاذلی، سید بن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. ج ۱۷. بیروت - قاهره: دارالشروق.
- _____ (۱۳۶۷). *آفرینش هنری در قرآن*. ترجمه محمد مهدی فولادوند. ج ۲. تهران: بنیاد قرآن.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *صَوْر خِیَال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- عبدالعال، محمد قطب. (۲۰۰۶م.). *من جمالیات التصوير فی القرآن الکریم*. قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. ج ۶. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۳۷۷). *تفسیر أحسن الحدیث*. ج ۳. تهران: بنیاد بعثت.
- محمدقاسمی، حمید. (۱۳۹۰). *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). *علوم قرآنی*. تهران: سمت.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). *تفسیر الکاشف*. ج ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ولک، رنه و آوستن وارن. (۱۳۷۳). *نظریه ادبیات معاصر*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

